

قصه‌های  
مَشْدی گلین خانم

۱۱۰ قصه‌ی عامیانه‌ی ایرانی

گردآورده‌ی ل. پ. ال‌ول ساتن

ویرایش

اولریش مارتسولف،

آذر امیرحسینی نیت‌هامر،

سیداحمد وکیلان



## فهرست

- یادداشت ناشر ..... ۷
- دربارهٔ مشدی گلین خانم ..... ۸
- دیباچه ..... ۱۰
- پیشگفتار ..... ۱۲
۱. کُزّه دریائی (۱) ..... ۲۱
۲. کُزّه دریائی (۲) ..... ۳۲
۳. پینه‌دوز و زن دیوانه ..... ۴۲
۴. زن علی غصه خور ..... ۴۷
۵. هفت خواهر که بی تقصیر طلاقشون دادند ..... ۴۹
۶. بهلول و موشهای آهن خور ..... ۵۳
۷. قصهٔ ملانتر بوق ..... ۵۸
۸. درویش و دختر پادشاه چین (۱) ..... ۶۱
۹. درویش و دختر پادشاه چین (۲) ..... ۶۸
۱۰. کچل شاه عباس که سه نفر اونو کشتند ..... ۷۶
۱۱. ملک محمد و طلسم دختر شاپور شاه ..... ۸۰
۱۲. عروسک بلور ..... ۹۰
۱۳. سرنوشتی که نمی‌شد عوضش کرد ..... ۹۴
۱۴. عزرائیل و پسر نجار ..... ۹۸
۱۵. کدخدای خوش حساب ..... ۱۰۰
۱۶. کچل زرنگ و گوسفندهای دریائی ..... ۱۰۱
۱۷. سرنوشت خواجه نصیر لوطی ..... ۱۰۴
۱۸. ماری که از زن غرغرو می ترسید ..... ۱۰۷
۱۹. دختر ماهی فروش و لنگه کفش ..... ۱۱۱
۲۰. عاقبت حلوا خوردن سه دختر خارکن ..... ۱۱۴
۲۱. حاتم طائی ..... ۱۱۹
۲۲. زنداری مرد تاجر ..... ۱۳۰
۲۳. گول و آدم دوسره ..... ۱۳۱
۲۴. پوست خربوزه ..... ۱۳۲
۲۵. سه آدم بخیل ..... ۱۳۳
۲۶. زندگی زن تاجر و زن حمال ..... ۱۳۴
۲۷. تاجری که پولش نصیب اوسا علی نجار شد ..... ۱۳۶
۲۸. خرت تر هم در دنیا پیدا می‌شه ..... ۱۴۰
۲۹. الاغ آوازه‌خوان و شتر رقاص ..... ۱۴۳
۳۰. هر کی حرف بزنه باید به گوساله آب بده ..... ۱۴۵
۳۱. تعبیر رای خدا ..... ۱۴۶
۳۲. علی بونه‌گیر ..... ۱۴۷
۳۳. مردی که از جمع الواطها بیرون آمد ..... ۱۵۰
۳۴. غذای قاز (۱) ..... ۱۵۲
۳۵. غذای قاز (۲) ..... ۱۵۶
۳۶. غذای قاز (۳) ..... ۱۵۸
۳۷. کدوم مردی از زنش دلخوشی داره؟ ..... ۱۶۰
۳۸. حسین قلی چوپان به مقام ملک التجار رسید ..... ۱۶۱
۳۹. پسر دهاتی به مقام پادشاه [پادشاهی] رسید ..... ۱۶۵
۴۰. یه کلاغ شد چهل کلاغ (۱) ..... ۱۷۰
۴۱. یه کلاغ شد چهل کلاغ (۲) ..... ۱۷۲
۴۲. مرد دهاتی که سنگی از طلا پیدا کرد ..... ۱۸۱
۴۳. تاجر و سه تا زن نشونه دارش ..... ۱۸۳
۴۴. پسر فقیر که با دختر عموش فرار کرد ..... ۱۸۵
۴۵. فاسق چادر به سر ..... ۱۸۸
۴۶. کاکائی که دختر اربابش رو به تخت سلطنت رسوند ..... ۱۸۹
۴۷. عهد شب زفاف ..... ۱۹۴
۴۸. صندوقی که سوگلی هارون الرشید توش بود ..... ۱۹۸
۴۹. اسدالله که هم دختر عموشو گرفت هم دختر پادشاهو ..... ۲۰۴
۵۰. پادشاه ظالم که رعیت او رو از سلطنت برکنار کرد ..... ۲۱۰

۵۱. پدري که هديهٔ پسرش را براي خودش برداشت ..... ۲۱۴
۵۲. بادي که از ورامين نرمةٔ آردو مي برد ..... ۲۱۸
۵۳. ننه مومي ..... ۲۲۰
۵۴. سه پند در وصيت پدر ..... ۲۲۲
۵۵. خواهر ندار و خواهر دارا ..... ۲۲۴
۵۶. داستان حسن و خليفه هارون الرشيد ..... ۲۲۷
۵۷. قصه تاجري که همراه زنش به خاک سپردنش ..... ۲۴۵
۵۸. اسرار خونه داروغة نانجيب ..... ۲۵۰
۵۹. زن چند شوهره ..... ۲۵۵
۶۰. شوهر باغيرت ..... ۲۵۷
۶۱. شرح حال مردی که دوباره زنده شد ..... ۲۵۹
۶۲. شرح حال دو خواهر در غربت ..... ۲۶۱
۶۳. نصيحت شوهرداري ..... ۲۶۶
۶۴. چهل زن سلطان ..... ۲۶۹
۶۵. عروسی که دختر نبود ..... ۲۷۲
۶۶. حکایت (پسر) غیاث خشت مال ..... ۲۷۵
۶۷. زن بی‌غیرت پادشاه که از ماهی نر رو می‌گرفت ..... ۲۸۰
۶۸. من يادم، تو را فراموش ..... ۲۸۵
۶۹. صاحب‌منصب و زن آژان ..... ۲۸۷
۷۰. زندگي زن رشتي و شوهر عربش ..... ۲۹۰
۷۱. برادر ناتني و گنج آقا موشه ..... ۲۹۳
۷۲. وصلت خانواده معين التجار با خانواده وزير ..... ۳۰۳
۷۳. چگونگي تقاص گرفتن حسن ..... ۳۰۹
۷۴. زني که شوهر شو پي نخود سياه فرستاد ..... ۳۱۵
۷۵. اين رو ميگند بخيل ..... ۳۲۰
۷۶. شرطبندي سيمرغ و حضرت سليمان ..... ۳۲۱
۷۷. گلنار و درويش حيله‌گر ..... ۳۲۵
۷۸. ملک جمشيد و ديب سيب دزد ..... ۳۳۲
۷۹. سه برادر که شاگرد عموشون شدند ..... ۳۳۸
۸۰. حکايت از بين بردن نسل دختر ..... ۳۴۵
۸۱. پينه‌دوز و آهنگري که دوتا زن داشتند ..... ۳۵۳
۸۲. خارکني که دوتا دخترشو از خانه بيرون کرد ..... ۳۵۵
۸۳. بوزرجمهر و خزانه‌دار انوشیروان ..... ۳۵۹
۸۴. خدای این شهر و خدای اون شهر يکيست ..... ۳۶۲
۸۵. تاجري که اقبالش برگشت و دوباره به او رو کرد (۱) ..... ۳۶۵
۸۶. تاجري که اقبالش برگشت و دوباره به او رو کرد (۲) ..... ۳۶۸
۸۷. امتحان رفقا ..... ۳۷۴
۸۸. در کوجهای اصفهان پول ريخته ..... ۳۷۷
۸۹. حاجي زاده و رفقای بدلي ..... ۳۷۹
۹۰. تاجر بخيل که رفت کله پاچه بخره ..... ۳۸۲
۹۱. دختری که به تنهایی از پس چهل دزد برآمد ..... ۳۸۵
۹۲. معنی حرف سلطان و پوست‌فروش ..... ۳۸۸
۹۳. گنجشکی که دنبال پرزور ترين مي‌گشت ..... ۳۹۲
۹۴. قصه باور نکردني ..... ۳۹۳
۹۵. درس اکونومي ..... ۳۹۵
۹۶. حکايت انشاءالله گفتن ..... ۳۹۶
۹۷. حکيم باشي قیافه شناس ..... ۳۹۷
۹۸. داد و بيداد ..... ۳۹۹
۹۹. هر کاري عرضه مي‌خواد (۱) ..... ۴۰۲
۱۰۰. هر کاري عرضه مي‌خواد (۲) ..... ۴۰۴
۱۰۱. برادر عوض نداره ..... ۴۰۶
۱۰۲. زندگي دختری که از پدرش تسييح مرواريد ..... ۴۰۸
- سوغاتي گرفت ..... ۴۰۸
۱۰۳. کچل دهاتي که به مقام داماد شاه رسيد ..... ۴۱۴
۱۰۴. زن گرفتن حاجي نون نخور ..... ۴۲۵
۱۰۵. شاهپور شاه که درد احمد شاه را دوا کرد ..... ۴۳۰
۱۰۶. دوستي مرد رنگرز و مرد سلماني ..... ۴۳۹
۱۰۷. خارکني که عشقش دختر پادشاه رو دوباره ..... ۴۴۷
- زنده کرد (۱) ..... ۴۴۷
۱۰۸. خارکني که عشقش دختر پادشاه رو دوباره ..... ۴۵۸
- زنده کرد (۲) ..... ۴۵۲
۱۰۹. ملک محمد که تقاص برادرش را از دختر ..... ۴۵۹
- بي‌رحم گرفت ..... ۴۵۹
۱۱۰. امتحان سه پسر پادشاه در اصفهان ..... ۴۶۶
- واژه‌نامه ..... ۴۷۲
- طبقه‌بندي قصه‌ها ..... ۴۷۴

## دربارهٔ مشدی گلین خانم

انتشار چاپ یک کتاب قصه‌های مشدی گلین خانم سبب گشوده شدن باب آشنایی با تنی چند از بازماندگان گلین خانم، از جمله تنها فرزند ایشان آقای حسین خاکی شد که عکسی از گوینده‌ی قصه‌های این کتاب را که در صفحه مقابل مشاهده میشود، و نیز اطلاعاتی بیشتر درباره‌ی زندگی و احوال ایشان، در اختیار ما قرار دادند که البته مؤید اطلاعاتی است که در پیشگفتار کتاب آمده است.

گلین خانم اصلاً اهل بروجرد بوده اما از سنین نوجوانی همراه اولیاء خویش در تهران ماندگار شده است. آقای حسین خاکی تاریخ دقیق تولد و درگذشت ایشان را به خاطر نداشتند اما این قدر میدانستند که هنگام تولد خود ایشان، که در ۱۲۹۴ شمسی در تهران، مادرشان تقریباً چهل ساله بوده است. پدر ایشان در ایام طفولیت ایشان درگذشت و ایشان نزد مادر و ناپدری خود یعنی همسر دوم گلین خانم بزرگ شدند. همسر دوم گلین خانم شیخ باقر شیخ‌العراقین زاده عراقی، اصلاً اهل عراق و نوه شیخ عبدالحسین بود که مسجدی در پاچنار داشت که امروز به مسجد ترکها معروف است و همچنین زمانی از طرف ناصرالدین شاه طلاکاری گنبد حرم کاظمین عراق را به عهده گرفته بود. گلین خانم در سال ۱۳۱۳ شمسی همراه همسر دوم و فرزند خود به عتبات عالیات رفتند و چون شیخ باقر که اصلاً عراقی بود قصد ماندگار شدن در آنجا را داشت اما گلین خانم با این امر موافق نبود لذا شیخ باقر همسر و فرزند خود را به ایران برگرداند و پس از متارکه، خود بار دیگر به عراق بازگشت. به این ترتیب پس از آن گلین خانم همراه فرزند خویش به تنهایی در تهران زندگی میکرد و اغلب به مراقبت از فرزندان خانواده‌های اعیان تهران اشتغال داشت.

آشنایی گلین خانم با الول ساتن از طریق علی جواهر کلام روزنامه‌نگار و دیپلمات ایرانی آغاز شد که دارای سوابق سیاسی و فرهنگی ممتدی بود و مدتی سفارت ایران در شوروی را به عهده داشت و زبانهای انگلیسی و روسی را به خوبی میدانست و در این



مشدی گلین خانم، گویندهٔ قصه‌ها

عکس اهدایی آقای حسین خاکی، فرزند گلین خانم

زمان مدیر روزنامه‌ی هور بود. جواهر کلام، که پسرعموی همسر دوم گلین خانم بود، اغلب برای قصه‌گویی او را به منزل خود در خیابان اکباتان میبرد و الول ساتن که او نیز با جواهر کلام رفت و آمد داشت در خانه‌ی او با گلین خانم آشنا شد. گلین خانم، که این انگلیسی‌جوان را بسیار کم‌حرف یافت، شروع به گفتن قصه‌هایی کرد که ساتن با ثبت آنها کتاب حاضر را پدید آورد.

هنگامی که رادیو تهران تاسیس شد جواهر کلام که با رادیو همکاری داشت هر هفته گلین خانم را با درشکه به رادیو میبرد و قصه‌های گلین خانم چند هفته از رادیو پخش شد. در مراسم تودیع الول ساتن هم که در پارک دانشجوی کنونی برگزار شد گلین خانم قصه‌ای گفت.

از آقای حسین خاکی فرزند گلین خانم بخاطر اطلاعات فوق و عکسهایی که در اختیار نشر مرکز گذاردند سپاسگزاریم.